



دانشگاه تربیت معلم تهران

دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

مدیریت آموزشی

بررسی عوامل مؤثر بر علاقه دانش آموزان سال سوم دبیرستان شهرستان بانه به

ادامه تحصیل در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور

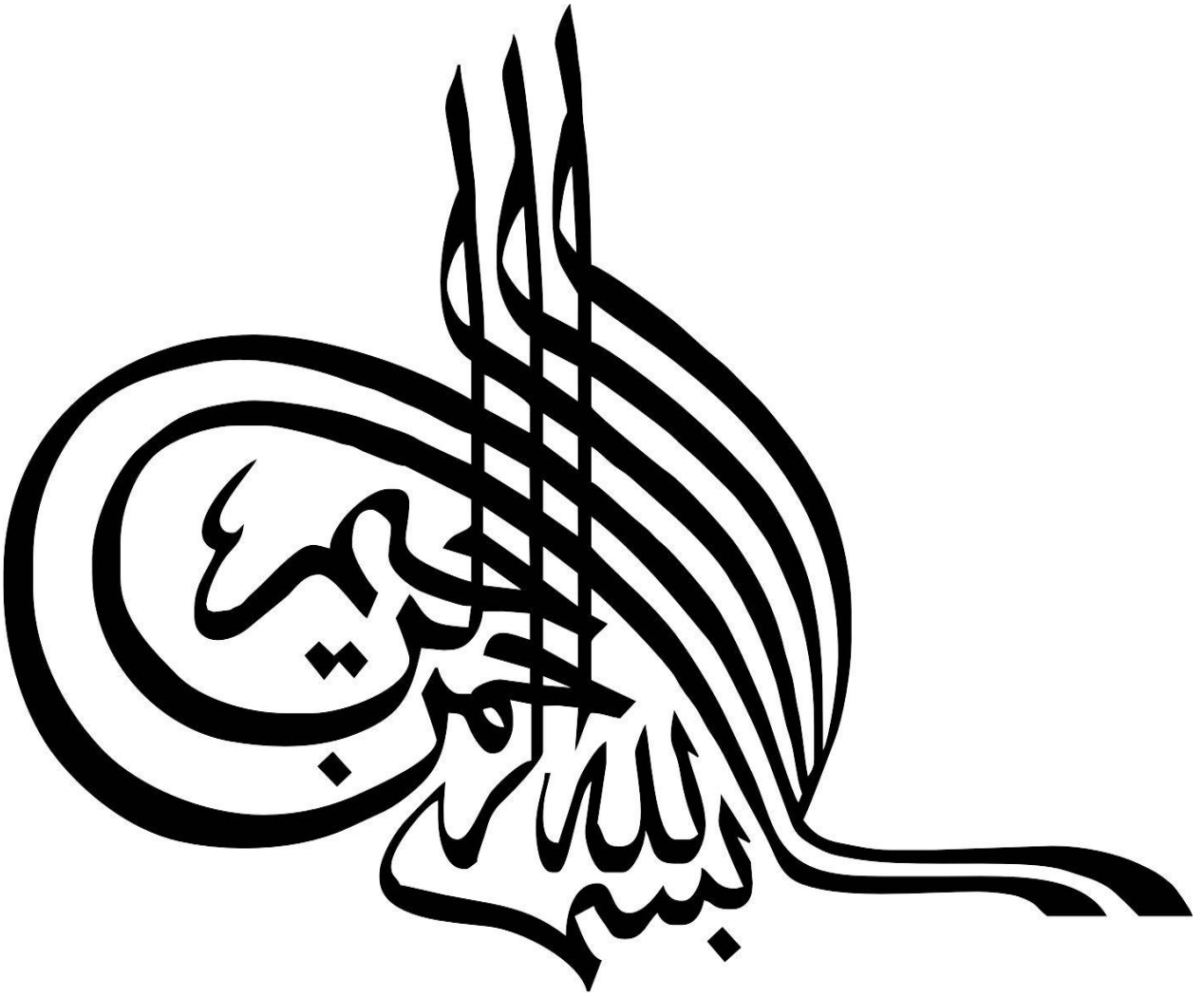
استاد راهنما: دکتر حمید رضا آراسته

استاد مشاور: دکتر حسن رضا زین آبادی

دانشجو:

محمد فتاحی

بهمن ماه ۱۳۹۰



**تقدیم:**

**به روح پدرم**

**به یگانه گوهر زندگی**

**مادرم که جامه مهر را در من سرود، او که بذرنشاط و ذوق تحصیل را در وجودم به یادگار نهاد و همواره آنرا آبیاری نمود. کلامش روشنی بخش وجودم و سایه اش آرام بخش حیاتم است.**

**به خواهرانم و برادرم، همراهان صمیمی زندگی**

**تقدیم به کسانی که دوست داشتن را به من آموختند، تقدیم به کسانی که**

**دوستشان دارم و تقدیم به آنهایی که دوستم دارند.**

## تقدیر و تشکر:

سپاس بیکران پروردگار یکتا را، که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت. ضمناً از زحمات اساتید ارجمند دانشگاه تربیت معلم تهران، دکتر آراسته، دکتر نوه ابراهیم، دکتر بهرنگی، دکتر عبدالهی و دکتر زین آبادی که با راهنمایی های ارجمندشان مرا کمک کردند کمال تشکر را داشته و از خداوند متعال برای این عزیزان آرزوی توفیق و مجال گسترش علم در کشور عزیزمان را دارم. در پایان جا دارد که از زحمات دکتر آراسته که بعنوان استاد راهنما مرا در تهیه و تدوین این پایان نامه کمک کرده و با دقت و حوصله اینجانب را راهنمایی و ارشاد نمودند و همچنین از دکتر زین آبادی که بعنوان استاد مشاوره با تعمق و درایت کامل، مساعدت نمودند تشکر و قدردانی را می نمایم

## چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر علاقه دانش آموزان سال سوم دبیرستان شهرستان بانه برای ادامه تحصیل در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از کلیه (۷۲۰ نفر= N) دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ در سه رشته تجربی، ریاضی، علوم انسانی در دبیرستانهای دولتی شهرستان بانه مشغول به تحصیل بودند. از این میان ۳۴۰ نفر شامل ۱۶۲ دختر و ۱۷۸ پسر با استفاده از روش نمونه گیری طبقه‌ای نسبتی به طور تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از روشهای آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که در بخش آمار استنباطی از روشهای نمونه گیری چندگانه، تحلیل واریانس عاملی چند متغیره  $2*3$  و روش تی مستقل استفاده شده است. از تجزیه و تحلیل داده‌ها این نتایج بدست آمد که با استفاده از روش رگرسیون چندگانه، منزلت اجتماعی بر علاقه دانش آموزان دختر و پسر برای ادامه تحصیل در دانشگاه تأثیرگذار نیست، اما انگیزش شغلی و محیط اجتماعی دانشگاه بر علاقه آنها تأثیرگذار است. اما با استفاده از روش تحلیل واریانس عاملی چندمتغیره و تی مستقل نتایج زیر بدست آمد: دانش آموزان دختر و پسر دیدگاه مشابهی را در مورد تأثیر انگیزش شغلی و محیط اجتماعی دانشگاه بر علاقه به ادامه تحصیل در دانشگاه داشتند اما در مورد منزلت اجتماعی دیدگاه متفاوتی داشتند.

**کلید واژه:** انگیزش شغلی، منزلت اجتماعی، محیط اجتماعی دانشگاه، علاقه به ادامه تحصیل

## فصل اول: کلیات

### فهرست

۱-۱. مقدمه	۲
۲-۱. بیان مسأله	۵
۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش	۷
۴-۱. هدف‌های پژوهش	۱۰
۱-۴-۱. هدف کلی	۱۰
۲-۴-۱. اهداف فرعی	۱۰
۵-۱. سوالهای پژوهش	۱۱
۱-۵-۱. سؤالات فرعی	۱۱
۶-۱. تعاریف واژه‌های تحقیق	۱۱
۱-۶-۱. منزلت اجتماعی	۱۱
۲-۶-۱. انگیزش شغلی	۱۲
۳-۶-۱. محیط اجتماعی دانشگاه	۱۲
۴-۶-۱. علاقه به ادامه تحصیل	۱۲
۷-۱. تعاریف عملیاتی متغیرها	۱۲
۱-۷-۱. منزلت اجتماعی	۱۲
۲-۷-۱. انگیزش شغلی	۱۳
۳-۷-۱. محیط اجتماعی دانشگاه	۱۳
۴-۷-۱. علاقه به ادامه تحصیل	۱۳

## فصل دوم: ادبیات و پیشینه

۱-۲. مقدمه	۱۵
۲-۲. ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی جامعه مورد مطالعه	۱۵
۳-۲. اهمیت آموزش عالی	۱۶
۴-۲. الگوی انتخاب دانشگاه و رشته برای انتخاب دانشگاه	۱۸
۱-۴-۲. الگوی انتخاب دانشگاه هوسلر و گالاگر	۱۹
۱-۱-۴-۲. پیش‌آمادگی	۱۹
۲-۱-۴-۲. تحقیق	۱۹
۳-۱-۴-۲. انتخاب	۱۹
۲-۴-۲. الگوی ترکیبی جکسون	۲۰
۱-۲-۴-۲. ترجیح	۲۰
۲-۲-۴-۲. انحصار	۲۰

- ۲۱ ..... ارزشیابی: ۳-۲-۴-۲
- ۲۳ ..... منزلت اجتماعی : ۵-۲
- ۲۶ ..... ۱-۵-۲. خاستگاه منزلت اجتماعی
- ۲۶ ..... ۱-۱-۵-۲. پایگاه اجتماعی محول (واگذاری شده)
- ۲۶ ..... ۲-۱-۵-۲. پایگاه محقق (اکتسابی)
- ۲۷ ..... ۲-۵-۲. عوامل تعیین کننده منزلت اجتماعی
- ۲۹ ..... ۳-۵-۲. انواع پایگاه اجتماعی :
- ۳۰ ..... ۴-۵-۲. پایگاه اجتماعی کلیدی
- ۳۱ ..... ۵-۵-۲. مفهوم پایگاه اجتماعی
- ۳۳ ..... ۶-۵-۲. نظریه آلبرت بندورا
- ۳۳ ..... ۱-۷-۵-۲. باورهای خود-کارایی و اجرای نقش
- ۳۷ ..... ۲-۷-۵-۲. باورهای خود-کارایی و انگیزه
- ۳۸ ..... ۳-۷-۵-۲. باورهای خود-کارایی و پیش بینی
- ۳۹ ..... ۴-۷-۵-۲. باورهای خود-کارایی و انتخاب
- ۴۰ ..... ۵-۷-۵-۲. چگونگی تأثیر باورهای خود-کارایی بر عملکرد جمعی
- ۴۱ ..... ۶-۲. انگیزش شغلی (مدرک گرایی):
- ۴۱ ..... ۱-۶-۲. انگیزش
- ۴۲ ..... ۲-۶-۲. اشتغال
- ۴۳ ..... ۳-۶-۲. کار
- ۴۴ ..... ۴-۶-۲. شغل
- ۴۵ ..... ۵-۶-۲. حرفه:
- ۴۵ ..... ۶-۶-۲. اهمیت کار کردن از دیدگاه فردی و اجتماعی:
- ۴۶ ..... ۷-۶-۲. علل کار کردن
- ۴۷ ..... ۸-۶-۲. عوامل مؤثر در شغل
- ۴۸ ..... ۱-۸-۶-۲. استعداد و توانایی در ارتباط با شغل
- ۴۸ ..... ۲-۸-۶-۲. سنجش توانایی‌ها و استعدادهای فرد
- ۴۸ ..... ۳-۸-۶-۲. رغبت در ارتباط با شغل
- ۴۸ ..... ۳-۸-۶-۲. شخصیت فرد و ارتباط آن با شغل
- ۴۹ ..... ۴-۸-۶-۲. تأثیر عوامل محیطی در شغل
- ۵۲ ..... ۹-۶-۲. نظریه‌های انتخاب شغل
- ۵۲ ..... ۱-۹-۶-۲. نظریه خصیصه - عامل
- ۵۲ ..... ۲-۹-۶-۲. نظریه جامعه شناسی
- ۵۲ ..... ۳-۹-۶-۲. نظریه خویش پنداری

- ۵۳ ..... نظریه شخصی ۴-۹-۶-۲
- ۵۴ ..... نظریه روانشناسی فردی: ۵-۹-۶-۲
- ۵۴ ..... انگیزش شغلی - نظریه عقلی و استدلالی: ۶-۹-۶-۲
- ۵۵ ..... نظریات مدرک‌گرایی ۱۰-۶-۲
- ۵۶ ..... محیط اجتماعی دانشگاه: ۷-۲
- ۵۹ ..... ۱-۷-۲ دانشگاه به مثابه فضای تعامل و ارتباط
- ۵۹ ..... ۲-۷-۲ تعامل بین دانشجویان
- ۶۰ ..... ۳-۷-۲ تعامل دانشجویان با اساتید
- ۶۰ ..... ۴-۷-۲ تعامل دانشجو با فضای علمی و آکادمیک
- ۶۱ ..... ۵-۷-۲ تعامل دانشجو و پرسنل اداری - ساختاری دانشکده
- ۶۱ ..... ۶-۷-۲ دانشگاه به مثابه یک مکان آموزشی - مهارتی
- ۶۱ ..... ۷-۷-۲ تجهیزات آموزشی و پژوهشی
- ۶۲ ..... ۸-۷-۲ کیفیت فعالیتهای آکادمیک
- ۶۲ ..... ۹-۷-۲ دستاوردهای شناختی
- ۶۳ ..... ۱۰-۷-۲ برداشت دانشجویان از عملکرد اساتید
- ۶۳ ..... ۱۱-۷-۲ دانشگاه و فرصتهایی که بوجود می‌آورد
- ۶۳ ..... ۱۲-۷-۲ اثربخشی دانشگاه
- ۶۴ ..... ۱۳-۷-۲ فرصتهای شغلی
- ۶۴ ..... ۱۴-۷-۲ انتظارات درآمدی و موقعیتی
- ۶۶ ..... ۱۵-۷-۲ مثبت‌اندیشی :
- ۶۸ ..... ۸-۲ علاقه به علم و تحصیل :
- ۶۹ ..... ۱-۸-۲ تعریف علائق (رغبت) :
- ۷۲ ..... ۲-۸-۲ الگوی ۴مرحله‌ای رشد علاقه :
- ۷۶ ..... ۳-۸-۲ انواع رغبت
- ۷۶ ..... ۱-۳-۸-۲ رغبت بیان شده :
- ۷۷ ..... ۲-۳-۸-۲ رغبت نمایان شده :
- ۷۷ ..... ۳-۳-۸-۲ رغبت فهرست شده :
- ۷۸ ..... ۴-۸-۲ عوامل تعیین‌کننده علائق :
- ۷۸ ..... ۱-۴-۸-۲ موقعیت اقتصادی - اجتماعی :
- ۷۸ ..... ۲-۴-۸-۲ سن :
- ۷۸ ..... ۳-۴-۸-۲ جنسیت :
- ۷۹ ..... ۴-۴-۸-۲ تجربیات تحصیلی :
- ۷۹ ..... ۵-۴-۸-۲ شخصیت :



۷۹	..... ۶-۴-۸-۲. نقش‌ها و توقعات اجتماعی :
۷۹	..... ۵-۸-۲. ارتباط استعداد و علاقه :
۸۱	..... ۶-۸-۲. رابطه تجربه و علاقه :
۸۲	..... ۷-۸-۲. ارتباط محیط و فرهنگ با رغبت :
۸۳	..... ۸-۸-۲. رابطه نیازها و رغبت.....
۸۳	..... ۹-۲. سابقه علمی پیشینه پژوهش در ایران و خارج از کشور.....
۸۳	..... ۱-۹-۲. تحقیقات داخلی.....
۸۴	..... ۲-۹-۲. تحقیقات خارجی.....
۸۵	..... ۱۰-۲. جمع بندی و نتیجه گیری.....

### **فصل سوم: روش شناسی پژوهش**

۸۸	..... ۱-۳. مقدمه.....
۸۸	..... ۲-۳. روش تحقیق:.....
۸۹	..... ۳-۳. جامعه آماری.....
۸۹	..... ۴-۳. حجم نمونه و روش نمونه گیری.....
۸۹	..... ۱-۴-۳. حجم نمونه.....
۹۱	..... ۵-۳. ابزارهای پژوهش.....
۹۳	..... ۶-۳. پایایی:.....
۹۳	..... ۷-۳. روایی:.....
۹۴	..... ۸-۳. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها.....

### **فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها**

۹۷	..... ۱-۴. مقدمه.....
۹۸	..... ۲-۴. آمار توصیفی.....
۹۸	..... ۱-۲-۴. بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری.....
۱۰۷	..... ۲-۲-۴. آمار توصیفی متغیرها.....
۱۰۸	..... ۳-۴. آمار استنباطی.....
۱۰۸	..... ۱-۳-۴. تجزیه و تحلیل سؤال اول و دوم و سوم.....
۱۱۱	..... ۲-۳-۴. تجزیه و تحلیل سؤال چهارم.....
۱۱۴	..... ۸-۳-۴. تجزیه و تحلیل سؤال پنجم.....
۱۱۵	..... ۴-۴. جمع بندی فصل.....

### **فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری**

۱۱۷	..... ۱-۵. مقدمه.....
۱۱۷	..... ۲-۵. بررسی سؤالهای پژوهش.....

۱۱۷	..... ۱-۲-۵. بررسی سؤال اول
۱۱۸	..... ۲-۲-۵. بررسی سؤال دوم
۱۱۹	..... ۳-۲-۵. بررسی سؤال سوم
۱۲۱	..... ۷-۲-۵. بررسی سؤال‌های چهارم و پنجم
۱۲۳	..... ۳-۵. محدودیت‌ها:
۱۲۴	..... ۴-۵. پیشنهادات
۱۲۴	..... ۱-۴-۵. پیشنهادهای کاربردی
۱۲۷	..... ۲-۴-۵. پیشنهادهای پژوهشی
۱۲۹	..... پیوست
۱۳۰	..... پرسشنامه
۱۳۳	..... منابع
۱۳۴	..... الف- منابع فارسی
۱۳۹	..... ب- منابع انگلیسی

### فهرست جداول

۷۶	..... جدول ۲-۲. چهار مرحله رشد علاقه
۸۹	..... جدول ۱-۳. جامعه آماری
۹۰	..... جدول ۲-۳. حجم نمونه
۹۳	..... جدول ۳-۳. پایایی کل و پایایی مؤلفه‌های پرسشنامه
۹۸	..... جدول شماره (۱-۴) توزیع فراوانی و درصد جنسیت دانش آموزان گروه نمونه
۹۹	..... جدول ۲-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب سن
۱۰۰	..... جدول ۳-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب رشته تحصیلی
۱۰۱	..... جدول ۴-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب شغل پدر
۱۰۲	..... جدول ۵-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب شغل مادر
۱۰۳	..... جدول ۶-۴. توزیع فراوانی برحسب تحصیلات پدر
۱۰۴	..... جدول ۷-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب تحصیلات پدر
۱۰۵	..... جدول ۸-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب درآمد ماهیانه
۱۰۶	..... جدول ۹-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب تعداد اعضای خانواده
۱۰۷	..... جدول ۱۰-۴. آمار توصیفی متغیره
۱۰۷	..... جدول ۱۱-۴. همبستگی متغیرها
۱۰۸	..... جدول ۱۲-۴. همبستگی متغیرها
۱۰۸	..... جدول ۱۳-۴. همبستگی متغیرها
۱۰۹	..... جدول ۱۴-۴. آمار توصیفی

۱۰۹	..... خلاصه مدل
۱۱۰	..... رگرسیون
۱۱۱	..... ضریب رگرسیون
۱۱۱	..... عوامل بین گروهی
۱۱۲	..... بررسی معناداری تفاوت میان دو جنس در ترکیب خطی متغیرها
۱۱۲	..... جدول معناداری تفاوت میان دختران و پسران در متغیر منزلت اجتماعی
۱۱۲	..... جدول معناداری تفاوت میان دختران و پسران در متغیر انگیزش شغلی
۱۱۳	..... جدول معناداری تفاوت میان دختران و پسران در متغیر محیط اجتماعی دانشگاه
۱۱۴	..... جدول آزمون نمونه‌های مستقل

## فهرست اشکال

۲۲	..... شکل ۱-۲. مدل ترکیبی جکسو
۳۵	..... شکل ۲-۲. جبر متقابل
۹۸	..... نمودار شماره (۱-۴) توزیع فراوانی درصد مربوط به جنسیت دانش آموزان
۹۹	..... نمودار ۲-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب سن
۱۰۰	..... نمودار ۳-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب رشته تحصیلی
۱۰۱	..... نمودار ۴-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب شغل پدر
۱۰۲	..... نمودار ۵-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب شغل مادر
۱۰۳	..... نمودار ۶-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب تحصیلات پدر
۱۰۴	..... نمودار ۷-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب تحصیلات مادر
۱۰۵	..... نمودار ۸-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب درآمد ماهیانه
۱۰۶	..... نمودار ۹-۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب تعداد اعضای خانواده

فصل اول

کلیات

## ۱-۱. مقدمه

جمعیت شرکت کننده در آزمون سراسری ورود به دانشگاههای ایران طی سالهای اخیر چند برابر شده است. این در حالی است که با افزایش ظرفیت دانشگاهها و توسعه انواع دوره‌های آموزش عالی حضوری و غیر حضوری، روزانه و شبانه و نیز با یاری گرفتن از بخش غیر دولتی، حداکثر نیمی از این متقاضیان موفق می‌شوند به یکی از این موسسات آموزش عالی راه یابند. علاوه بر این، تشویق خانواده‌ها و سرمایه گذاری آنها برای ادامه تحصیل فرزندانشان و حجم وسیع مشاغل و فعالیتهای مرتبط با کنکور، نشان دهنده تقاضای روزافزون جامعه برای ورود به آموزش عالی است. کافی است اشاره شود که بر اساس تحقیقی تازه، با احتساب هر دلار ۸۰۰۰ ریال، آموزشگاههای کنکور تجارتي ۲۸۴ میلیون دلاری را در اختیار دارند (مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۴).

گرچه استقبال از تحصیلات عالی در کشور ایران نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر گسترده‌تر است، اما نگاهی به گزارشهای رسمی و تحقیقات متعددی که در سایر نقاط جهان منتشر شده است، نشان می‌دهد که افزایش تقاضای اجتماعی برای تحصیلات عالی روند فراگیری است که دولتها را با چالشهای تازه‌ای رو به رو کرده است. تجدیدنظر در سیاستهای آموزشی، لزوم گسترش و بهبود دوره‌ای آموزش عالی، تنگنای تأمین مالی، مهاجرت نخبگان و بیکاری فارغ التحصیلان از جمله تنشهایی است که در بسیاری از کشورها در پاسخ به این نیاز عمومی بروز کرده است. شناخت ماهیت این تقاضای فزاینده، گذشته از اینکه برای پژوهشگران به عنوان پدیده‌ای اجتماعی قابل تأمل است، بیش از همه برای برنامه ریزان، تصمیم گیران و مدیران جامعه ضروری است (محمدی روزبهانی و طارمی، ۱۳۸۴).

چرا مردم به آموزش عالی روی آورده اند؟ تحصیلات عالی امکان دستیابی به فرصتهای شغلی بیشتر و بالاتری را فراهم می‌کند، اما این هدف در برگیرنده همه ابعاد اهمیت ادامه تحصیل نیست. علاوه بر بعد اقتصادی قضیه، تحولات پیچیده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در

مقیاس‌های جهانی و بومی در ایجاد این خواست همگانی تأثیر فراوان دارند (محمدی روزبهانی و طارمی، ۱۳۸۴)

جهان معاصر ما جهان اطلاعات است؛ امروزه، حوزه دانستنی‌های عمومی برای زندگی روزمره به مراتب فراتر از گذشته است، از این رو گرایش به سوی آگاهی و اطلاع به نیازهای عمومی بدل شده است. علاوه بر این، با توجه به سرعت افزایش اطلاعات، لزوم آموزش برای تمام عمر به عنوان مسئله‌ای جدی مطرح است. مشاغل و حرفه‌ها تخصصی شده‌اند و ورود موفقیت آمیز به ساده‌ترین آنها مستلزم آموزش است.

آموزش و کارآموزی مجرای مهم اندوختن مهارتها چرا مردم به آموزش عالی روی آورده‌اند؟ تحصیلات عالی امکان دستیابی به فرصت‌های شغلی بیشتر و بالاتری را فراهم می‌کند، اما این هدف در برگیرنده همه ابعاد اهمیت ادامه تحصیل نیست. علاوه بر بعد اقتصادی قضیه، تحولات پیچیده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در مقیاسهای جهانی و بومی در ایجاد این خواست همگانی تأثیر فراوان دارند.

با کاهش نقش خانواده‌ها و ناکافی بودن تأثیر مؤسسات دینی و رسانه‌ها، وظیفه آموزش فراتر از انتقال دانش و مهارتها به عنوان نهادهای تربیت اجتماعی فزونی یافته است. دوره جوانی نسبت به گذشته طولانی‌تر شده است و مؤسسه‌های آموزشی نقش مهمی در آمادگی و طی این دوره از عمر ایفا می‌کنند (فاتحی و همکاران، ۱۳۸۸).

تحولات اجتماعی به ویژه تغییر نقش زنان در جوامع نیز موجب شده است که مشارکت آنها در افزایش تقاضای عمومی برای آموزش عالی تأثیر زیادی داشته باشد. الگوی سنتی «مرد تنها نان آور خانواده» در حال تغییر است و سهم مستقیم زنان در اقتصاد خانواده بیشتر شده است. افزایش نسبت طلاق به ازدواج و بالارفتن سن ازدواج موجب شده است. تا زنان نیاز بیشتری به استقلال مالی احساس کنند. از طرفی، در مشاغل معمولی تفکر مردسالارانه رقابتی نابرابر را به این زنان تحمیل می‌کند و در این میان، داشتن تحصیلات عالی می‌تواند در رفع این تبعیض مؤثر باشد (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰).

افزون بر این موضوعات جهانی، مسائل متنوع دیگری در مقیاسهای بومی مطرح هستند که می‌توان از تغییرات جمعیت شناختی، الگوهای توسعه، تحول ارزشهای اجتماعی و تغییرات اجتماعی و سیاسی کشورها نام برد که نظر محققان را به خود جلب کرده است.

یونسکو (سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد) در مهر ماه سال ۱۳۷۷ (اکتبر ۱۹۹۸) همایشی جهانی در باره آموزش عالی و دانشگاهها در سده بیست و یکم برگزار کرد. در این همایش که در پی چند همایش منطقه ای و با تشریک مساعی صاحب نظران برگزار شد، اذعان گردید که مهمترین نقش آموزش عالی در سده‌ای که در آن زندگی می‌کنیم توسعه اقتصادی، به ویژه از راه تربیت متخصصان، و توسعه فرهنگی و انسجام اجتماعی، به ویژه گسترش آموزش شهروندی است.

علاوه بر چنین مرجع جهانی، همایشهای گوناگونی در سطوح مختلف این موضوع را تأیید کرده‌اند که در حال حاضر یکی از پررنگ ترین نقش‌های دانشگاه‌ها تربیت شاغل مورد نیاز جامعه است و یکی از مهمترین انگیزه‌های متقاضیان ورود به آموزش عالی به دست آوردن شغل است. تعبیر گتجنس<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، رئیس کنفرانس مسائل مالی آموزش عالی، در این باره این چنین است: «دانشگاه‌ها با شغل‌ها گره خورده‌اند.» (آنبارسان، اتیراجان، ۱۹۹۸).

با توجه به مواردی که در بالا گفته شد امروزه سیل عظیمی از نوجوانان می‌خواهند وارد دانشگاه‌ها بشوند. در واقع علاقه آنها به دانشگاه فراتر از علاقه‌اشان به شغل‌های دیگر است. نوجوانان هم براساس یک سری از عوامل به دانشگاه‌ها علاقه‌مند می‌شوند که این تحقیق در نظر دارد عوامل مؤثر بر علاقه دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان به ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها را شناسایی و به توصیف آنها بپردازد.

---

<sup>1</sup>.Gaegtens

## ۱-۲. بیان مسأله

اگرچه استقبال از تحصیلات عالی در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر افزایش یافته است و به صراحت در قالب تقاضای افراد برای دریافت خدمات آموزش عالی مطرح می‌شود. از نیمه دوم قرن بیستم می‌توان گفت رشد تقاضا برای آموزش عالی یکی از چالش‌های اساسی این بخش در دو دهه اخیر در کشورهای توسعه یافته و با کمی تأخیر نسبی در کشورهای در حال توسعه است. اما نگاهی به گزارش‌های رسمی و تحقیقات متعددی که در سایر نقاط جهان منتشر شده است، نشان می‌دهد که افزایش تقاضای اجتماعی برای تحصیلات عالی روند فراگیری است که دولت‌ها را نیز با چالش‌های تازه‌ای مواجه کرده است. تجدید نظر در سیاست‌های آموزشی، لزوم گسترش و بهبود دوره‌های آموزش عالی، تنگناهای تامین مالی، مهاجرت نخبگان و بیکاری فارغ التحصیلان از جمله تنش‌هایی است که در بسیاری از کشورها در پاسخ به این نیاز عمومی بروز کرده است (محمدی روزبهانی و طارمی، ۱۳۸۴). شناخت ماهیت این تقاضای اجتماعی فزاینده، گذشته از اینکه برای پژوهشگران به عنوان پدیده‌ای قابل تأمل است بیش از همه برای برنامه ریزان، تصمیم گیران و مدیران جامعه ضروری است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰). اگر چه تحولات جمعیتی و افزایش سطح مطالبات اجتماعی عامل این پدیده بوده است، لیکن تحولات نظام اقتصاد جهانی و افزایش تحرک شغلی و مبادلات نیروی انسانی در دهه اخیر نیز به افزایش تقاضا برای آموزش عالی کمک کرده است (قارون، ۱۳۸۲، الف).

اگرچه در کشور ایران تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی هر سال افزایش می‌یابد به طوری که طبق آمار رسمی سازمان سنجش، در کنکور ۱۳۹۰ حدود یک میلیون و ۲۵۰ هزار داوطلب ثبت نام کرده‌اند در حالیکه ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است. بدین ترتیب ظرفیت دانشگاه‌ها ۲۵۰ هزار نفر بیش از تعداد داوطلبان است. نکته‌ای که در این بین حائز اهمیت است اینکه داوطلبان در رشته‌هایی پذیرفته می‌شوند که بازار کار ندارد و اشباع است، بین بازار کار و نیازهای جامعه با رشته‌های دانشگاهی و تعداد فارغ‌التحصیلان تناسبی وجود ندارد. بهمین دلیل نرخ بیکاری فارغ التحصیلان در کشور بسیار



نگران‌کننده است. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، بیکاری فارغ‌التحصیلان با تحصیلات آکادمیک و دانش تئوریک بالا ولی سطح مهارت و تخصص پایین، نشانگر این واقعیت است که بازار کار کشور بسیار هوشمندانه عمل می‌کند و به تخصص نیروی کار بیش از مدرک آنها اهمیت می‌دهد (همشهری آنلاین،). بسیاری از دانش‌آموزان دبیرستانی نیز به دلیل چشم‌اندازهای اشتغال در کشور علاقه چندانی برای ورود به آموزش عالی ندارند.

برای مثال، آمارها نشان می‌دهد که مسئولین دولتی بدون توجه به تقاضای بازار، پذیرش دانشجوی رشته‌های کشاورزی را حدود ۱۴۰ درصد رشد داده‌اند. براساس این برآورد طی سالهای اخیر سالانه ۲۵ تا ۵۲ درصد فارغ‌التحصیلان این بخش بیکار هستند. این آمارها رشد پذیرش دانشجو در سالهای اخیر در بخش کشاورزی را نشان می‌دهند اما متأسفانه بخش عمده‌ای از این دانشجویها یا بیکارند یا در بخشهای کشاورزی به کار اشتغال دارند البته این تعداد بیکاری به معنای آنست که نیاز بازار کار کشاورزی سالانه حداکثر ۱۱۰ نفر دانش‌آموخته بوده است (خبرگزاری ایلنا، ۱۳۸۸). بیکاری فارغ‌التحصیلان طی سال ۷ (۸۷-۸۰) دو برابر شده و از ۱۰/۳ به ۲۰/۷ در صد میان دیگر رده‌های تحصیلی رسیده است. براساس گزارش مرکز آمار ایران از روند کار و اشتغال به تفکیک وضعیت تحصیل نشان می‌دهد شاغلان تحصیل کرده در مدت یاد شده از ۱۰/۳ به ۱۳/۹ درصد رسیده است. (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۰). به هر حال امروزه شاهد هستیم که انگیزه ادامه تحصیل در پسران دبیرستانی به شدت در حال کاهش است. بخشی از پسران به لحاظ نیازهای اقتصادی و اجتماعی برای خود و خانواده، ترجیح می‌دهند در دوران دبیرستان ترک تحصیل نمایند و وارد بازار کار شوند.

به هر حال پرداختن به مسئله بیکاری اقشار مختلف و به ویژه دانش‌آموختگان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی که بعنوان قشر متخصص و فرهیخته جامعه تلقی می‌شوند از اهمیت بسزایی برخوردار است. با توجه به رابطه غیرمستقیم تحصیلات و اشتغال در کشورهای در حال توسعه و نرخ بالای بیکاری در کل جامعه و بالاخص در بین دانش‌آموختگان، موضوع اشتغال آنان باید همواره مورد بررسی دقیق و همه جانبه قرار گرفته و راه‌های افزایش اشتغال دانش‌آموختگان مورد مذاقه قرار می‌گیرد و در سیاستگذاریها، برنامه‌ریزیها و تصمیم‌گیریها

ملحوظ گردد تا با افزایش اشتغال این قشر، علاوه بر استفاده بهینه از تخصص بدست آمده به افزایش شاخصهای توسعه انسانی و در نهایت پایداری در توسعه نائل آمد (فرجادی، ۱۳۷۰). افزون بر این برخی از دانشجویان در دوران تحصیلات دانشگاهی با افت تحصیلی مواجه می‌شوند. افت تحصیلی چه به صورت ترک تحصیل، اخراج، فوت و چه به شکل توقف (طولانی شدن زمان تحصیل) باشد، در هر سال معادل هزینه سرانه آموزشی زیان‌آور است (نور شاهی، ۱۳۷۵). همچنین بی‌علاقگی تحصیلی و نبود انگیزه‌های علمی قوی در دانشجویان برای کار و تلاش علمی از مشکلات دیگری است که دانشجویان و دانشگاه‌ها با آن مواجه هستند (قادری، ۱۳۸۳).

بیکاری تحصیل کرده‌های دانشگاهی یکی از حادترین مشکلات اقتصادی-اجتماعی ایران محسوب می‌شود و به جرأت می‌توان گفت مهمترین دغدغه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها است بر اساس آمار و اطلاعات موجود در کشور، در طول سالیان گذشته هرگز توان جذب نیروهای تحصیلکرده را نداشته است و آن تعداد نیروهایی هم که جذب بازار کار شده‌اند اکثراً در شغلی نامناسب با رشته تحصیلی خود به فعالیت اشتغال داشته‌اند که این امر تا حد زیادی ناشی از رشد فزاینده و بی‌برنامه پذیرش دانشجو در رشته‌های مختلف بدون توجه به بازار کشور است (اکبری پور، ۱۳۸۳). به گزارش بانک جهانی در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ نرخ بیکاری دارای تحصیلات عالی در ایران ۱۹/۶ درصد بوده است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۹). بر اساس گفته‌ها پیشین موضوع بیکاری دانش‌آموزان دبیرستانی بر علاقه مندی آنها برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها تأثیر بسزایی گذاشته است. این تحقیق بر آن است که با توجه به نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی علاقه مندی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان شهرستان بانه برای ادامه تحصیل در دانشگاه و مراکز آموزش عالی کشور را مورد بررسی قرار دهد.

### ۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

علاقه دانش‌آموزان برای ورود یا عدم ورود به دانشگاه تصمیم سرنوشت‌سازی در زندگی آنها محسوب می‌شود زیرا بر تمام ابعاد زندگی آینده آنها از جمله نوع شغل، درآمد، روابط اجتماعی

و حتی انتخاب همسر آنها تأثیرگذار است (حسین شاهی و سیاح سیار ، ۱۳۸۴). بنابراین علاقه دان در نظر گرفتن تمام جوانب و شرایط موجود (فردی ، خانوادگی ، اقتصاد و...) گرفته شود. برای این منظور لازم است که الگوهای انگیزشی دانش آموزان برای ورود به دانشگاه و تمایلات آنها شناسایی شود و عواملی را که این تصمیم را تحت تأثیر قرار می دهد مورد بررسی قرار داد تا از این طریق بتوان به دانش آموزان در گرفتن هر چه درست تر این تصمیم حیاتی کمک کرد.

همچنین مجموع تصمیمات افراد در مورد نوع و مدت دوره تحصیل ، تقاضای اجتماعی آموزش عالی را تشکیل می دهد (قارون، ۱۳۸۳، الف). از این رو شناسایی تمایلات دانش آموزان و عوامل موثر بر تقاضای آنها برای آموزش عالی نکات بسیار مهمی را از فرایند شکل گیری تقاضای اجتماعی آموزش عالی بدست می دهد. در نهایت می توان گفت مدیران، مسئولان و تصمیم گیران جامعه با آگاهی از عوامل موثر بر تقاضای دانش آموزان برای آموزش عالی، می توانند در برنامه ریزی ها، تصمیم های بهتری اتخاذ کنند و تمام این نکات ضروری پژوهش را آشکار می سازد.

با توجه به مشکلات بیکاری دانش آموختگان که در بالا بیان شد و مشکلاتی که در دانشگاه های ایران وجود دارد و دانشجویان ایرانی امروزه با آن روبرو هستند چه قبل از ورود به دانشگاه (کنکور و استرس آن و فشار خانواده) و در حین دانشگاه (دوری از خانواده، فشارهای تحصیلی دانشگاهی و...) و بعد از دانشگاه که مهمترین آن بیکاری می باشد اهمیت این تحقیق هویدا می شود. از طرف دیگر شهر بانه که در غربی ترین نقطه ایران قرار دارد در دهه اخیر کانون تجارت و بازرگان را بخود گرفته است و تقریباً وضعیت امروز مردم این شهر را نسبت به دهه های قبل از نظر وضعیت مالی و رفاه و آسایش و امنیت بهتر کرده است. اما آنچه در اینجا قابل ذکر است این است که با وجود داشتن مراکز تجاری زیاد و متنوع و درآمدزا، و از همه مهمتر وضعیت متوسط مردم این شهر از نظر مالی، هنوز نگرانی هایی در میان مردم این شهر وجود دارد و آن این است که این نوع شغل ها فقط معامله ای تجاری موقت یا نوعی شغل کاذب است که در واقع نه تنها امیدوارکننده نیست، بلکه آینده این شهر را از نظر

زیربناهای اقتصادی و پایه‌های علمی به مخاطره می‌اندازد. این نوع حرفه‌ها، در واقع یک نوع شغل آنی است که هر لحظه ممکن است به علت مسدود شدن مرزها و از همه مهمتر وضعیت امروز جهان این نوع شغل کاذب در میان مردم این شهر برداشته شود و دوباره وضعیت اقتصادی و نرخ ارز مردم این شهر را به سوی وخامت سوق دهد. چون این شغل در واقع تولیدی یا بعبارت دیگر زیر بنای اقتصادی این شهر را محکم و استوار نمی‌سازد.

هم‌اکنون موج ناامیدی و نگرانی اقتصادی که در میان مردم این شهر حاکم شده و شاید در آینده این نگرانی‌ها باعث ضربه زدن به این شهر شود. و همه مردم این شهر چون قبلا وضعیت اقتصادی خوبی نداشتند اما با ظهور این شغل لحظه‌ای رفاه خوبی را برای مردم این شهر فراهم آورده، مردم را به تکاپو انداخته تا برای آینده خود و فرزندانشان، با استفاده از این شغل به هر طریقی که شده تا اندازه‌ای خودشان را بهبود نمایند و مراحل بالاتر را طی کنند. تا جایی که این نوع موج هیجانی اقتصادی، باعث شده خانواده‌ها فرزندانشان را به ترک از تحصیل تشویق کنند و بچه‌هایشان را وارد این خط تجاری بکنند.

از طرف دیگر این بچه‌ها در خانواده‌هایی بزرگ شدند که اکثرا دانشجوی تحصیل کرده دانشگاهی زیاد دارند (لازم به ذکر می‌باشد که این شهر قبلا همیشه از نظر رتبه‌های ممتاز کنکوری جزء شهرهای ممتاز علمی کشور بود) و بسیاری فارغ التحصیل دانشگاههای بزرگ ایران در مقطع کارشناسی و حتی ارشد را تشکیل می‌دادند. اما بعد از فارغ التحصیلی به شهر برگشته‌اند. که یا بیکارند یا به شغل‌های غیر از رشته مرتبطشان روی آورده‌اند. بنابراین وقتی که دانش آموزان این شهر این موارد را می‌بینند. و از همه مهمتر وضعیت کنکور، ددرسرهای بعد از آن را ملاحظه می‌کنند، و مهمتر از همه درصد زیاد این فارغ التحصیلان بیکار را در جامعه مشاهده می‌کنند و اینکه می‌دانند که اگر فردا هم ادامه تحصیل بدهند بعد از فارغ التحصیلی هم سرکار بروند حقوق ماهیانه آنها کفاف هزینه‌های زندگی را نخواهد کرد، و این به‌خودی خود انگیزه‌های آنها برای ادامه تحصیل را کاهش داده، و متأسفانه امروزه، دانشگاه که نقش بزرگی در توسعه ملی و اقتصادی دولت و مردم در هر کشوری ایفا می‌کند، در کشور ایران برعکس شده، و نقش توسعه و کار آفرینی خود را ایفا نمی‌کند. اما در کنار اینها